

تحلیلی بر توزیع جغرافیایی جمعیت ایران

محمدعلی سلطانی*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

چکیده:

با توجه به اینکه جمعیت کنونی ایران از نظر تعداد، ترکیب و بافت جنسی، سنی و شرایط طبیعی، اقتصادی و اجتماعی و برخورداری از امکانات و خدمات به صورت ناموزونی توزیع شده

* استادیار گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان

و با سرعتی شتابزده به سوی شهرنشینی هر چه بیشتر - و البته نه به صورت خود جوش و برنامه‌ریزی شده - در حال تحول است، باید سریعاً در شناخت روند آتی آن مطالعاتی انجام گیرد و راه‌حل‌هایی ارائه گردد.

اختلافات بالقوه طبیعی، غالباً باعث اختلاف شدید در توان بالفعل هر یک از نواحی جمعیتی ایران گردیده است. از طرف دیگر عدم توزیع منطقی خدمات و امکانات و نارساییهای برنامه‌ریزی سنجیده، باعث تشدید توزیع جغرافیایی نامتعادل جمعیت در نواحی مختلف ایران گردیده است، که این خود عاملی است در استفاده غیر معقول از منابع طبیعی، سرمایه‌گذاریها و در نتیجه جابه‌جایی نیروی انسانی ماهر و غیر ماهر و توزیع نابرابر خدمات و امکانات استانی و شهری - روستایی.

یکی از مسائل و مشکلات در امر توزیع جغرافیایی جمعیت ایران، گرایش بی‌رویه جمعیت به شهرنشینی است که باعث گردیده از جمعیت حدود ۶۰ میلیون نفری ایران در سال ۱۳۷۵ بیش از ۳۵ میلیون نفر در شهرها و بقیه در روستاها زندگی کنند.

جمعیت شهرنشین ایران بین سالهای ۳۵ - ۶۵ از ۳۱/۴ درصد به ۵۴/۴ درصد افزایش یافته است و این روند همچنان ادامه دارد و احتمالاً در آینده‌ای نه چندان دور، میزان شهرنشینی ایران به سطح کشورهای صنعتی خواهد رسید. حال این سؤال مطرح می‌گردد که آیا این روند باید همچنان ادامه داشته باشد یا با توجه به ویژگیها و تواناییهای شهری و روستایی باید سریعاً به فکر کنترل شهرنشینی بود؟

اثرات ناشی از این ناهماهنگی در توزیع و جابه‌جاییهای بدون کنترل جمعیت، باعث اختلال در امور شهری و روستایی و به هم خوردن ترکیب جنسی و سنی جمعیت در مناطق مختلف جغرافیایی و شهری - روستایی شده است و در پاره‌ای از موارد پایین آمدن سطح بهداشت عمومی و خدمات درمانی و سایر خدمات و امکانات گردیده است که هر یک در خور بحث جداگانه می‌باشد.

مقدمه

در جستجوی علل اصلی و اولیه کم‌رشدی و کندی روند توسعه مناسبترین راه

این است که در مرحله نخست مسایل و مشکلات و نارساییها را دسته‌بندی کنیم و قبل از هر چیز مسؤولیت یا نقشی را که رشد جمعیت در این رابطه دارد، مورد توجه و بررسی قرار دهیم. در انجام این مهم باید نخست با استدلال منطقی این نکته روشن گردد که یکی از عوامل مهم کندی رشد و توسعه اقتصادی، رشد فزاینده جمعیت با آهنگی سریع و شتابان می‌باشد، که باعث می‌گردد در پاره‌ای از جوامع در همان آغاز، رونق اقتصادی زیر بار جمعیت خفه شود و در هم بشکند و یا حداقل کاهش یابد.

سخن از آغاز به میان آمد. این نکته روشن و مسلم است که انقلاب اسلامی ایران تمام معیارها، ارزشها و دیدگاههای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گذشته را به هم ریخت و طرحی نو در انداخت. بدیهی است که روند رشد و توسعه ما نیز باید بر اصول این طرح جدید استوار گردد.

به جرأت می‌توان گفت که مسؤولیت اولیه کم‌رشدی در ایران تا حدود زیادی متوجه رشد شتابان جمعیت می‌باشد. چه با نرخ رشد جمعیت در آستانه انقلاب اسلامی پیش‌بینی می‌گردید که در دهه ۵۵-۶۵ به طور تقریب ۹ میلیون نفر به جمعیت ایران افزوده شود، ولی این رقم به بیش از ۱۶ میلیون نفر رسید! چنانچه این روند ادامه می‌یافت و چاره‌ای اندیشیده نمی‌شد، در فاصله زمانی ۱۸ تا ۲۰ سال جمعیت ایران به بیش از دو برابر افزایش می‌یافت!

این که برخی از دانشمندان علوم مختلف در مکتب طرفداران افزایش جمعیت امتیازات متعددی برای افزایش جمعیت قائلند و معتقدند که افزایش جمعیت باعث افزایش مصرف، تقاضا، عرضه و تولید می‌گردد، افزایش جمعیت باعث تحول در سیستم تولید و همچنین باعث تقسیم و بهبود سازمان کار می‌شود و یا افزایش جمعیت عامل رشد و توسعه اقتصادی، عامل ثروت، قدرت و نهایتاً بهروزی و اعتلای جامعه

۱- ساده‌ترین روش برای برآورد جمعیت آینده یک واحد جغرافیایی، استفاده از فرمول $P_t = P_0 (1 + R)^t$ می‌باشد، که در آن P_t جمعیت مورد نظر در آینده، P_0 جمعیت کنونی، R نرخ رشد جمعیت در هزار و t سالهای مورد نظر می‌باشد.

است، شاید در شرایط خاص برای برخی از واحدهای جغرافیایی پذیرفتنی باشد. اکنون این سؤال مطرح می‌گردد که آیا این نظریات برای یک کشور اسلامی مثل ایران با ویژگیهای خاص جغرافیایی نیز قابل قبول است؟ و آیا اسلام مانند برخی از مکاتب، طرفدار افزایش جمعیت است؟ بدیهی و مسلم است که چنین نبوده و به کوتاه سخن آیین مقدس اسلام طرفدار افزایش جمعیت مشروط و مطلوب می‌باشد. یعنی میزان جمعیت را با توجه به کلیه شرایط و عوامل اسلامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی تعیین می‌نماید. یکی از فاکتورهای مهم در تعیین میزان پراکندگی جمعیت و ویژگیهای جغرافیایی ایران می‌باشد که نقشی بسیار مهم و تعیین کننده دارد.

واژه‌های کلیدی

- کم‌رشدی • رشد شتابان و بی‌رویه • نظریه‌های جمعیتی اسلام • کمربند خشک
- معیشت کشاورزی • منطقه تجارت آزاد • مواد قلیایی • تراکم نسبی و بیولوژیک
- شهرنشینی و روستانشینی • آلودگیهای اجتماعی • حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی

توزیع جغرافیایی جمعیت ایران

منطقی به نظر می‌رسد اگر قبل از هر بحثی در مورد جمعیت ایران، نگاهی به ویژگیهای جغرافیایی این سرزمین داشته باشیم. اصولاً باید همواره رابطه صحیح و دقیق ظرف و مظهر را در نظر گرفت؛ یعنی باید برای هر ماده‌ای با توجه به کلیه خصوصیات و ویژگیهای آن ماده ظرف مخصوصی در نظر گرفت که بتواند به‌طور مطلوب آن مواد را در خود نگاه دارد. بنابراین میزان جمعیت هر سرزمین را نیز در وهله نخست باید در رابطه با خصوصیات و ویژگیهای جغرافیایی و تواناییهای بالقوه طبیعی هر یک از نواحی آن تعیین نمود.

کشور ایران با وسعتی برابر ۱/۶۴۸ میلیون کیلومتر مربع، شانزدهمین کشور جهان از نظر وسعت می‌باشد که بین ۲۵ و ۴۰ درجه عرض شمالی و ۴۲ - ۶۳ درجه

طول شرقی بر روی کمر بند خشک نیمکره شمالی قرار گرفته است. بنابراین قسمت اعظم این سرزمین را مناطق خشک، نیمه خشک و به عبارتی مناطق بیابانی پوشانده است. کمر بند خشک، کمر بند همیشه سبز جنگلهای بارانی استوایی و قطب شمال با وسعت بسیار زیاد، تراکم جمعیت بسیار پایینی دارند. خاکهای این مناطق در مقابل تأثیر عوامل خارجی بسیار حساس بوده و اصولاً دارای درجه حاصلخیزی کمی می باشند.

ایران با وجود قرار داشتن بر روی کمر بند خشک، دارای اقلیمی متنوع و انواع آب و هوا می باشد. تنوع آب و هوا و ویژگیهای طبیعی هر یک از نواحی ایران وجوه متمایزی را برای هر ناحیه به وجود آورده و هر یک دارای توانهای متفاوتی است که حد معینی از جمعیت را می تواند در خود جای دهد.

جغرافیدانان ایران هر یک بر اساس مطالعات و دیدگاههای مختلف، کشور را به نواحی متفاوتی تقسیم کرده اند. از یک نظر می توان ایران را به هشت ناحیه جغرافیایی به شرح زیر تقسیم نمود (نقشه شماره ۱).

نقشه شماره ۱: تقسیم بندی ایران بر حسب نواحی جمعیتی



منبع: جغرافیای جمعیت ایران - دکتر می حسرنظری

- ۱- جلگه‌های ساحلی دریای خزر؛
- ۲- حوضه‌های شمالی غربی؛
- ۳- ارتفاعات شمالی؛
- ۴- ارتفاعات زاگرس؛
- ۵- جلگه‌های جنوب و جنوب غربی؛
- ۶- ناحیه جنوب شرق؛
- ۷- سرزمینهای حاشیه شرقی؛
- ۸- مناطق بیابانی و نیمه‌بیابانی.

۱- **جلگه‌های ساحلی دریای خزر:** جلگه‌های ساحلی که به صورت قوسی باریک در جنوب دریای خزر قرار گرفته و شامل استانهای گیلان و مازندران می‌باشد، دارای وسعتی بیش از ۲۱۰۰۰ کیلومترمربع است. این جلگه دست‌پرورده عمل دریا و فرسایش رودخانه‌ای و بادی می‌باشد. سلسله جبال البرز این جلگه را از حوضه مرکزی ایران جدا نموده است. این جلگه تحت تأثیر دریای مازندران دارای اقلیم گرم و مرطوب با درجه حرارت تابستانی ۲۰-۱۰ درجه سانتیگراد و میزان بارندگی ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ میلیمتر می‌باشد. شبکه جریان آبی با تعداد زیادی رودخانه و نهر و همچنین سدهای مخزنی و انحرافی، تونلها و کانالهای مصنوعی آبرسانی به کمک شرایط طبیعی مناسب، باعث ایجاد کشت متمرکز گشته و محصولات عمده‌ای چون برنج، چای، پنبه، ذرت، توتون و انواع مرکبات و محصولات تابستانه به عمل می‌آورد. همچنین صنایعی از قبیل بافندگی، برنج‌کوبی، چای‌سازی و کارخانجات کنسروسازی و روغن‌کشی و درکنار آنها صنایع دستی چوبی و حصیربافی و همچنین صید ماهی هر یک از اهمیت خاصی برخوردارند.

سواحل دریای خزر به علت دارا بودن راههای ارتباطی خوب با سایر نواحی

ایران - به خصوص تهران - و ویژگیهای اقلیمی از لحاظ توریستی جاذبه‌های زیادی داشته و هر ساله تعداد زیادی جمعیت را به خود جذب می‌نماید و این امر ضمن داشتن اثرات منفی، کمک بزرگی به اقتصاد منطقه نموده است.

جلگه ساحلی خزر نزدیک به ۲ درصد وسعت داشته و حدود ۵ درصد از جمعیت ایران را داراست. بدین جهت فشار جمعیت در این ناحیه باعث مهاجرت تعدادی از جمعیت به سایر نواحی - بخصوص به تهران - گردیده است.

۲- حوضه‌های شمال غربی: این ناحیه استانهای آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل و قسمتهای شمالی استان زنجان و کردستان را دربرمی‌گیرد. این ناحیه دارای تعداد زیادی حوضه‌های دریاچه‌ای و رودخانه‌ای مانند ارس، ارومیه، سیروان، قزل‌اوزن و ... می‌باشد. وجود توده‌های آتشفشانی سهند، سبلان و آرات، باعث ایجاد خاکهای حاصلخیز آتشفشانی گردیده است. اقلیم منطقه معتدل و مرطوب با بارندگی سالیانه ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیمتر می‌باشد و درجه حرارت در تابستان بندرت از ۲۰ درجه سانتیگراد تجاوز می‌کند و در زمستان به بیش از ۱۰ درجه سانتیگراد زیر صفر می‌رسد. با توجه به مشخصات طبیعی (اقلیم، درجه حرارت، میزان بارندگی، خاک حاصلخیز) کشاورزی متمرکز منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. محصولات عمده منطقه عیارتنند از: گندم، جو، انواع میوه، پنبه، توتون و دانه‌های روغنی. علاوه بر کشاورزی، دامپروری و پرورش زنبور عسل نیز از فعالیتهای عمده منطقه است. بنابراین اقتصاد منطقه مبتنی بر کشاورزی و دامپروری است. کوچ‌نشینی و فعالیتهای ایلات نیز دارای اهمیت است. این منطقه از دیرزمان یکی از مراکز و پایگاههای عمده تجاری ایران بخصوص تجارت خارجی بوده و نقش بازار تبریز در اقتصاد ایران همواره مورد توجه بوده است. وجود صنایع مختلف و همچنین صنایع دستی نیز در اقتصاد منطقه دارای اهمیت است. مجموعه عوامل فوق باعث تراکم جمعیت منطقه و نهایتاً فشار جمعیتی

گردیده و سبب مهاجرت عده‌ای به سایر نقاط - بویژه تهران - گردیده‌است.

۳- کوههای شمالی ایران: کوههای شمالی ایران شامل سه رشته خراسان شمالی، البرز و طالش می‌باشد. کوههای البرز در وسط از قسمتهای دیگر بلند بوده و قله دماوند (بلندترین قله ایران) با ارتفاع ۵۶۷۱ متر در این سلسله جبال قرار دارد. میزان بارش کوههای شمالی ایران برحسب نقاط مختلف حدود ۴۰۰ تا ۱۶۰۰ میلیمتر و دارای آب و هوای کوهستانی و سرد می‌باشد. جبهه شمالی البرز در اثر مجاورت با دریا، باران بیشتری دریافت می‌نماید و به همین جهت پوشیده از جنگل می‌باشد. در حالی که جبهه جنوبی مشرف به حوضه مرکزی ایران، خشک و عاری از پوشش گیاهی است. کوههای شمالی دارای تابستانهای معتدل و زمستانهای کاملاً سرد است. این کوهها سرچشمه بسیاری از رودخانه‌های شمالی ایران می‌باشد. دره‌های تنگ، رودخانه‌ها و زمینهای قابل کشت محدودی وجود دارد که اقتصاد اصلی مردم منطقه را تشکیل می‌دهد. در قسمتهای مرتفع نیز چراگاههای تابستانی و بخشهای وسیع پوشیده از جنگل، امکان دامداری را فراهم می‌نماید. عدم توانایی کافی در فصول مختلف و عامل آب و هوایی، دامداران را به یک نوع حرکت رفت و برگشتی بین دره‌ها و مناطق مرتفع وامی‌دارد. در سرتاسر کوههای شمالی ایران به علت عدم وجود فضای کافی (به استثنای دره‌ها) امکان استقرار جمعیت زیاد وجود ندارد و شهرها اکثراً در دامنه‌های شمالی و جنوبی آن قرار گرفته‌اند.

۴- کوههای زاگرس: این کوهها حدود ۲۵٪ از سطح کشور را فرا گرفته‌اند. جهت کوهها با طول و عرض زیاد شمال غربی - جنوب شرقی است. رشته کوههای زاگرس به دو بخش مرتفع و دامنه‌ای تقسیم می‌گردد. بخش مرتفع پیکره اصلی زاگرس را تشکیل داده و بخش دامنه‌ای - بویژه در قسمت غرب - بریده بریده و جدا از هم می‌باشد. زاگرس مرتفع براساس حوضه آبی رودخانه‌ها به بخشهای کوچکتری تقسیم می‌گردد که محل استقرار جوامع انسانی می‌باشد. مثل حوضه رودخانه‌های کارون، مارون، دز،

سیروان، شاپور، مند، خمیر، شور و ... از نظر آب و هوایی قسمت شمال غربی مرطوب با میزان بارش ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیمتر و جنوب شرقی دارای آب و هوای نسبتاً خشک با کمتر از ۵۰۰ میلیمتر بارندگی است. این تنوع اقلیمی باعث دایمی و فصلی بودن رودخانه‌ها در دو قسمت زاگرس گردیده است. همچنین براساس این تمایزات در شیوه استفاده از زمین و استقرار جمعیت نیز در دو قسمت تفاوت چشمگیری مشاهده می‌گردد.

اقتصاد ساکنین مناطق زاگرس مرطوب (شمال غربی) مبتنی بر اقتصاد کشاورزی، دامپروری و کوچ‌نشینی با کشاورزی متمرکز می‌باشد. تحولات صنعتی و توسعه شبکه راهها باعث تحول و دگرگونی در شیوه زندگانی مردم گردیده و همچنین وجود حوضه‌های بزرگ نفتی در ایجاد صنایع وابسته به نفت در خوزستان و خلیج فارس از عوامل مهم در تغییر نوع معیشت انسان می‌باشد. به‌طور کلی میزان جمعیت در دو قسمت زاگرس متفاوت است و هرچه به طرف جنوب شرق نزدیک شویم، از میزان جمعیت کاسته می‌شود.

برخلاف کوههای شمالی در زاگرس، دره‌های وسیعتر و فضاهاى بازتری برای ایجاد مراکز تجمع انسانی وجود دارد که باعث به‌وجود آمدن شهرهای مهمی مثل همدان، کرمانشاه، اصفهان و خرم‌آباد در این منطقه گردیده است.

۵- **جلگه‌های جنوب و جنوب غربی:** این ناحیه شامل جلگه‌های خوزستان و سواحل خلیج فارس می‌گردد. جلگه خوزستان یکی از مهمترین جلگه‌های رسوبی ایران است که دنباله جلگه بین‌النهرین می‌باشد. اقلیم منطقه گرم و خشک با تابستانهای گرم (۲۰-۴۰ درجه) و زمستانهای معتدل (حدود ۲۰ درجه سانتیگراد) می‌باشد. مواد رسوبی حاصلخیز رودخانه‌هایی مثل کرخه و کارون اهمیت کشاورزی جلگه را افزایش داده و با توجه به آب کافی و زمینهای حاصلخیز کشاورزی منطقه کاملاً رشد یافته و

یکی از مراکز مهم کشت و صنعت ایران است.

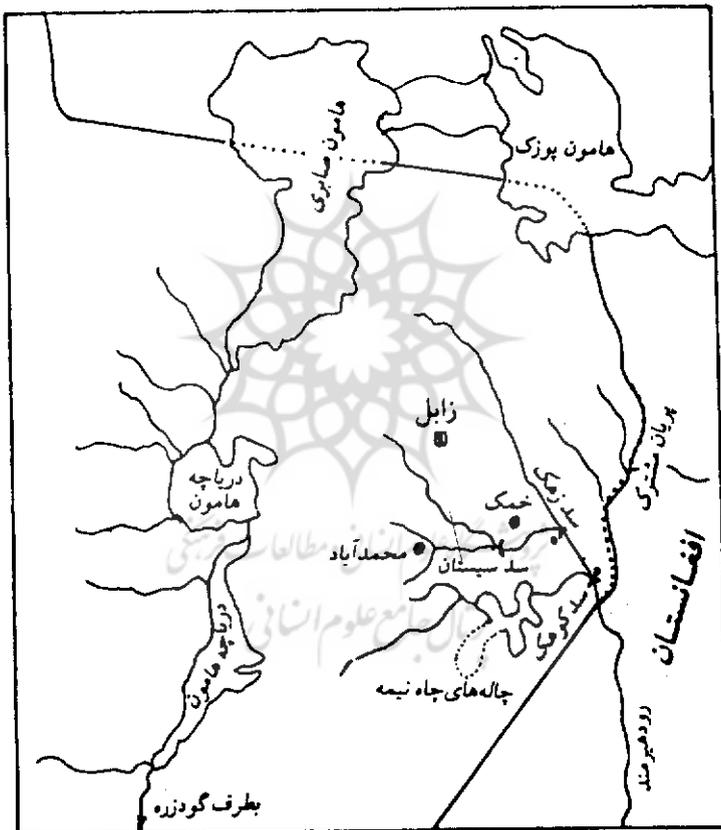
یکی از عوامل مهم جذب جمعیت در این ناحیه وجود میدانهای عظیم نفت و صنایع وابسته به آن و همچنین استقرار صنایع دیگر می باشد که جمعیت قابل توجهی را از سراسر ایران به خود جذب نموده است.

عده ناحیه جنوب خاوری: این منطقه شامل سیستان و بلوچستان و مکران می باشد. مساحت این ناحیه حدود یک دهم وسعت ایران است. بخش شرقی حوضه پست جازموریان که یکی از واحدهای مستقل جغرافیایی ایران می باشد در این منطقه قرار گرفته است که شرایط کاملاً بیابانی - بخصوص در نیمه شرقی آن - حکمفرماست. اقلیم این ناحیه گرم و خشک با تابستانهای بسیار گرم (حدود ۴۰ درجه سانتیگراد) و زمستانهای ملایم بین ۱۰ - ۲۰ درجه سانتیگراد می باشد. بیشتر رودخانه های این ناحیه فصلی هستند. سیستان با استفاده از آب هیرمند و سدها و چاله های ایجاد شده امکانات نسبتاً مساعدی برای کشاورزی دارد (نقشه شماره ۲). این منطقه در گذشته به نام انبار غله ایران معروف بوده است.

دشت سیستان به علت وجود خاکهای رسوبی و وجود آب کافی یک واحد مستقل جغرافیایی را تشکیل داده و با توجه به حقایق ایران از رودخانه هیرمند و ایجاد سدهای تنظیمی کوهک، زهک و اخیراً سیستان پس از نقطه تقسیم آب و استفاده از چاله های سه گانه چاه نیمه، خطر کم آبی تا حد زیادی مرتفع گردیده است. بدیهی است تقسیم آب هیرمند بین افغانستان و ایران همواره به عنوان یک «سأله سیاسی مطرح بوده و دشت سیستان از کم آبی و طغیان رودخانه رنج برده است. لازم به یادآوری است که اخیراً در منطقه زابل یک چاله دیگر در دست احداث می باشد که با ذخیره آب در آن در کنار سه چاله چاه نیمه، آب قسمتی از بلوچستان از جمله زاهدان تأمین می گردد.

نیمه غربی جازموریان با استفاده از آب هلیل رود شرایط مناسبی برای کشاورزی داشته ولی در نیمه شرقی این حوضه رود بمپور جریان دارد که از اهمیت چندانی برخوردار نمی باشد. هلیل رود و سدی که به نام سد جیرفت بر روی آن زده شده علت

وجود دشت سبزواران می باشد. در منطقه بشاگرد رودهای دایمی چندی مانند جگین، ایرر، دشتیاری و ... جریان دارد ولی به علت عدم توجه کافی به این سرزمین شاید از فقیرترین نواحی ایران باشد. کشاورزی در زمینهای پست مکران با تأمین آب مورد نیاز منطقه از طریق ایجاد سدها و انتقال آب در حال توسعه می باشد. ایجاد سد پیشین در این منطقه و انتقال آب آن، قسمتی از مشکلات این ناحیه را حل نموده است.



نقشه شماره ۲: تقسیم آب رودخانه هیرمند

۱- با همکاری کمیته امداد امام و گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۶۴ طرح مطالعاتی منطقه تهیه و با عنایتی که مقامات مسؤول مملکت به این منطقه معطوف داشته اند، امید است گامهای مؤثری در راه احیا و عمران منطقه برداشته شود.

معیشت بخش اعظم از جمعیت این ناحیه بر اقتصاد کشاورزی استوار است که بیشتر در طول دره‌ها استقرار یافته‌است. کمبود زمین قابل کشت که درصد ناچیزی از مساحت منطقه را شامل می‌شود و عدم اعمال مدیریت منابع و کمبود کلیه امکانات مورد نیاز از عوامل بازدارنده جمعیت در این ناحیه است. تعداد شهرهای منطقه بسیار کم و مهمترین شهر آن زاهدان می‌باشد که به دلیل نزدیکی به مرز افغانستان و پاکستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. انتخاب شهر چابهار به عنوان منطقه تجارت آزاد باعث رونق اقتصادی و تحولات اجتماعی و فرهنگی و افزایش جمعیت منطقه گردیده‌است.

۷- حاشیه شرقی ایران: حاشیه شرقی ایران و به عبارت دیگر خراسان جنوبی در مجاورت افغانستان یک نمونه جغرافیایی خاص می‌باشد. در بین کوه‌های دره‌ها این ناحیه زمینهای پستی وجود دارد. ارتفاعات قائنات با حداکثر ۳۰۰۰ متر از مشخصترین توده‌های این ناحیه می‌باشد. زمینهای پست قائنات بین این ارتفاعات و کوه‌های بیرجند در جنوب منطقه قرار گرفته‌است. این منطقه دارای اقلیمی خشک با تابستانهای گرم و خشک همراه با باد و زمستانهای نسبتاً سرد می‌باشد. میزان بارشهای جوی آن حدود ۲۰۰ میلیمتر است و رودخانه دائمی مهمی ندارد. این ناحیه جزء نواحی نیمه بیابانی (استپی) ایران به شمار می‌رود.

درکناره رودها و زمینهای قائنات کشاورزی صورت می‌گیرد. منطقه قائنات یکی از مراکز مهم کشت زعفران ایران است. جمعیت این منطقه به صورت پراکنده در مناطق دامنه‌ای و ارتفاعات و بیشتر به صورت جوامع روستایی دیده می‌شود. این ناحیه ایران توانایی نگهداری جمعیت زیادی را ندارد و از مناطق مهاجر فرست به شمار می‌رود.

۸- بیابانهای ایران: بدون شک نیمی از سرزمین ایران را بیابانها فرا گرفته‌است. اطراف حوضه‌های بیابانی را کوه‌های مرتفع البرز، زاگرس و شرقی احاطه کرده‌اند. بیابانهای ایران از سه قسمت مجزا با برخی از ویژگیهای متفاوت تشکیل گردیده‌است. اول: بیابان شمالی شامل دشت کویر و نواحی آن با تشکیلات بسیار متنوع و اغلب

پوشیده از لایه‌های نمکی و دارای ارتفاع حدود ۸۰۰ متر. دوم: بیابان لوت با ارتفاع تقریبی کمتر از ۱۸۰ متر و همچنین متشکل از کانیهای فراوان با ویژگیهای اقلیمی منحصر به فرد در بین بیابانهای جهان. سوم: جنوب غربی که همان چاله‌های چهارگانه گاوخونی - سیرجان می‌باشد. این منطقه بیابانی با ارتفاع تقریبی ۱۷۰۰-۱۴۰۰ متر شامل چهار حوضه گاوخونی، ابرقو، هرات و مروست و سیرجان می‌باشد. هر یک از حوضه‌های بیابانی ایران دارای ویژگیهایی است که برخی از آنها مشترک و تابع شرایط کلی مناطق خشک است.

به طوری که اشاره شد، ایران بر روی کمربند خشک کره زمین قرار گرفته و به جز در مناطقی که تحت شرایط خاص طبیعی مثل ناهمواریها، اقلیم دیگری حکمفرماست؛ اصولاً دارای خصوصیات و شرایط بیابانی است که برخی از آنها عبارتند از:

- بیابانها عموماً فاقد پوشش گیاهی بوده و به جز برخی از گیاهان نمک دوست و خشکی پسند مثل گز، تاغ، آتریپلکس، اسکنبیل و گیاهان بوته‌ای خارگونه به سختی گیاه دیگری امکان رویش دارد و اصولاً بسیاری از گیاهان امکان رشد ندارند.
- میزان بارشهای جوی در بیابانها بسیار ناچیز و بین ۲۵ - ۱۰۰ میلیمتر نوسان دارد و زمان بارندگی و مقدار آن نامنظم و پراکنده و گاهی سیل آسا می‌باشد.
- درجه حرارت در تابستان بسیار بالا (تا حدود ۵۰ درجه) و در زمستان حدود ۱۵ - ۲۰ درجه زیر صفر و در نتیجه اختلاف درجه حرارت فصول بسیار زیاد بوده و همین امر یکی از عوامل مهم ایجاد اختلال در اکولوژی گیاهی است. همچنین چون مناطق کویری معمولاً فاقد ابر می‌باشند، اختلاف درجه حرارت شب و روز نیز قابل توجه است و به همین جهت در حالیکه روز بیابان بسیار گرم است به مجرد غروب خورشید، تبادل حرارتی شدیدی صورت می‌گیرد و شب معتدل و مطبوع می‌گردد.
- در مناطق بیابانی - بخصوص در منطقه لوت - بادهای شدیدی می‌وزد که باعث جابه‌جایی تپه‌های ماسه‌ای گردیده و حرکت شنهای روان ضایعات فراوانی به وجود می‌آورد.

- میزان تبخیر در مناطق بیابانی بسیار شدید است و در بعضی مناطق مثل شرق

ایران تا صد برابر مقدار رطوبت می‌رسد. تبخیر شدید، مواد قلیایی محلول در خاک را به سطح کشیده و لایه‌هایی روی خاک تشکیل می‌دهد.
- در مناطق بیابانی خاک (حتی با حداقل درجه حاصلخیزی) بسیار کم و تکامل آن محدود و کند است.

- وجود کانیه‌های فراوان و ریزش باران، امکان فعالیت شیمیایی را تشدید می‌کند. بیابانهای ایران دارای انواع مواد معدنی مثل: ذخایر عظیم ذغال سنگ و نمک، کروم، مس، سرب و روی، فلز، گوگرد، سولفات، آهک، آهن، نفت و ... می‌باشد که برخی از آنها در اقتصاد ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شرایط موجود در بیابانهای ایران باعث کمی و پراکندگی جمعیت در این منطقه وسیع گردیده است زیرا امکانات مهار کردن و تسلط انسان بر برخی از عوامل فوق تاکنون غیر ممکن و یا حداقل بسیار مشکل و کند بوده است. به طوری که جمعیت نسبی در این منطقه کمتر از یک نفر در کیلومتر مربع است. فاصله مراکز تجمع انسانی بسیار زیاد و امکانات ارتباطی بسیار ناچیز و گاهی صفر است. لازم به یادآوری است که اطراف بیابانهای ایران و به طور کلی اطراف تمام بیابانهای جهان را حاشیه‌ای با شرایط مساعدتر و مناسبتر فرا گرفته که به نام مناطق نیمه بیابانی شناخته شده‌اند. شرایط کلی این حواشی، حداقل فواصل شرایط بیابان و مناطق مرطوب است. بنابراین امکان استقرار جمعیت بیشتری فراهم گردیده و می‌توان گفت که بخش اعظم جمعیت حوضه مرکزی ایران در مناطق حاشیه‌ای یا نیمه بیابانی اسکان یافته‌اند. در این نواحی شهرهای مهمی چون اصفهان، کاشان، یزد، کرمان، زاهدان، بیرجند و شهرهای جنوبی البرز قرار گرفته‌اند.

توزیع و تراکم جمعیت ایران

اطلاع از توزیع و تراکم جمعیت یک منطقه و اثر آن در سایر ویژگیها دارای اهمیت خاص است. از چگونگی و میزان تراکم جمعیت می‌توان به فشار جمعیت یک ناحیه بر روی زمین و امکانات آن پی برد. به طور کلی مطالعه الگوهای توزیع و تراکم جمعیت، اساسی‌ترین فاکتور در درک جغرافیایی هر سرزمین است. پخش و توزیع

جمعیت در نواحی مختلف ایران قطعاً با تواناییهای بالقوه هر یک ارتباط دارد. گواينکه سياستهای جمعیتی دولت نیز می تواند الگوهای طبیعی را بر هم زند و دگرگونیهایی در جابه جایی جمعیت و در تراکم آن ایجاد نماید. اصولاً دو نوع تراکم حسابی و بیولوژیک مورد مطالعه قرار می گیرد که اولی تعداد جمعیت در واحد سطح بر حسب کیلومتر مربع و دیگری تعداد جمعیت در واحد سطح زمینهای قابل کشت بر حسب هکتار می باشد.

جمعیت ایران در سال ۱۳۶۵ بالغ بر ۴۹/۵ میلیون نفر بوده است^۱ که با توجه به وسعت کشور (۱/۶۴۸ میلیون کیلومتر مربع) و خصوصیات جغرافیایی هر یک از نواحی که قبلاً اشاره شد، بسیار ناموزون توزیع گردیده است. ایران با تراکم جمعیت در پنج دوره سرشماری دهساله ۳۵، ۴۵، ۵۵، ۶۵ و ۷۵ یکی از کم جمعیت ترین کشورهای جهان به شمار می آید. با در نظر گرفتن مناطق کوهستانی و بیابانی ایران که حدود ۲/۳ مساحت کشور را در بر گرفته اند، تقریباً یک دهم سطح کشور را زمینهای قابل کشاورزی تشکیل می دهد. بنابراین برای درک بهتر مطلب در رابطه با توزیع جمعیت بهتر است تراکم بیولوژیک مورد محاسبه قرار گیرد. با در نظر گرفتن سطح زمینهای قابل کشت (اگر حدود ۱۵ میلیون هکتار = ۱۵۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع در نظر گرفته شود) تراکم بیولوژیک ایران در سال ۱۳۶۵ حدود ۳/۳۱ نفر در هکتار یا ۳۳۱ نفر در کیلومتر مربع بوده است. (جدول ۱)

تراکم بیولوژیک ایران بر اساس آمار سال ۱۳۶۵ این مطلب را روشن می کند که فشار جمعیت بر روی زمینهای مساعد برای کشاورزی تا چه اندازه است. بدیهی است

۱- چون وضعیت نهایی سرشماری سال ۷۵ هنوز مشخص نگردیده و ابهام دارد، به آمارهای سال ۱۳۶۵ اشاره می گردد.

۲- تراکم بیولوژیک جمعیت از رابطه $d = \frac{P}{S(hr)}$ و تراکم نسبی از رابطه $D = \frac{P}{S(Km^2)}$ به دست می آید. اگر سطح زمینهای کشاورزی ۱۳/۴ میلیون هکتار در نظر گرفته شود، تراکم بیولوژیک ۳/۷ نفر در هکتار و ۳۷۰ نفر در کیلومتر مربع خواهد بود.

که در طول ۳۰ سال گذشته بر سطح زمینهای قابل کشت تا حدودی افزوده شده ولی این افزایش با رشد جمعیت هماهنگ نبوده است.

جدول ۱: تراکم نسبی و بیولوژیک ایران از ۱۳۳۵ - ۱۳۶۵

سال	جمعیت (میلیون نفر)	تراکم نسبی	تراکم بیولوژیک	زمینهای قابل کشت (هکتار)
۱۳۳۵	۱۸/۹	۱۱/۵	۲/۵۰	۷/۵۰
۱۳۴۵	۲۵/۷	۱۵/۶	۳/۴۵	۷/۵۰
۱۳۵۵	۳۳/۷	۲۰/۴	۳/۰۶	۱۱/-
۱۳۶۵	۴۹/۵	۳۰/۱	۳/۳۱	۱۵/-
۱۳۷۰	۵۸/۵	۳۶/۵	۳/۹۰	۱۵/-

منبع: سالنامه‌های آماری کشور در چهار دوره سرشماری، مرکز آمار ایران

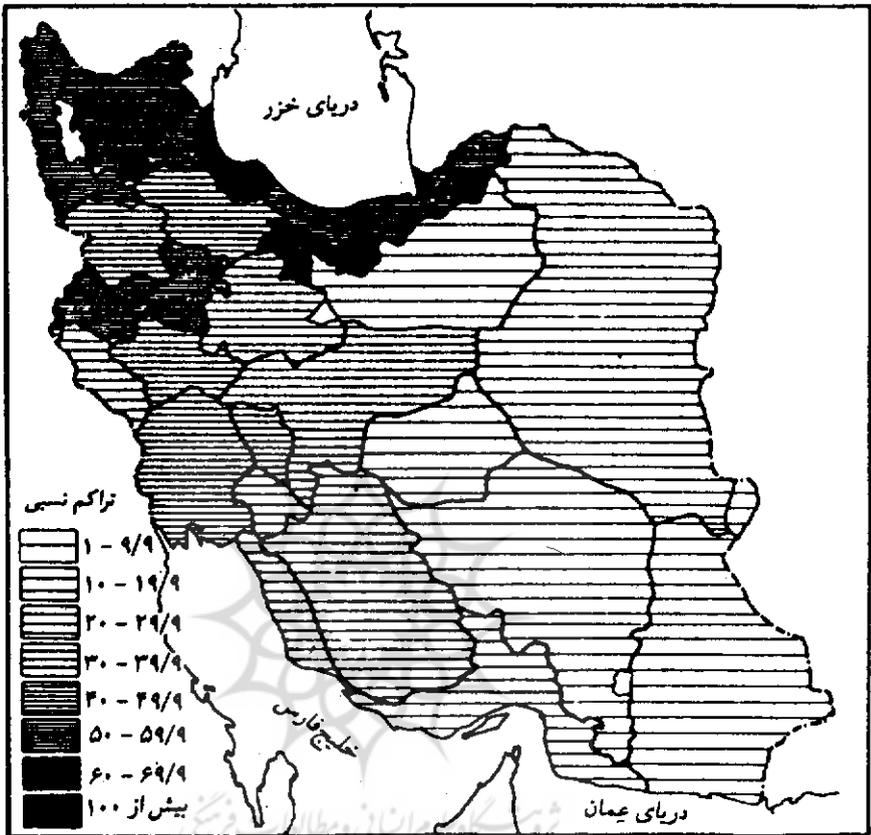
به طوری که اشاره شد توزیع جغرافیایی جمعیت ایران با توجه به عوامل یادشده بسیار ناموزون می‌باشد. چنانچه برای توجیه بیشتر مطلب، توزیع جغرافیایی جمعیت ایران بر حسب استان، شهرستان، شهر و روستا مورد بررسی قرار می‌گیرد، به این نتیجه می‌رسیم که در برخی از نواحی ایران فشار جمعیت بسیار شدید و یکی از عوامل مهم مهاجر فرست می‌باشد. (جدول ۲ و نقشه ۳)

جدول ۲: توزیع و تغییرات جمعیت ایران بر حسب استان، سالهای ۶۵ و ۷۰

استان	۱۳۶۵	۱۳۷۰	استان	۱۳۶۵	۱۳۷۰
کل کشور	۴۹۴۴۵۰۱۰	۵۵۸۳۷۱۶۳	سیستان و بلوچستان	۱۱۹۷۰۵۹	۱۴۵۵۱۰۲
تهران	۸۷۱۲۰۸۷	۹۹۸۲۳۰۹	کردستان	۱۰۷۸۴۱۵	۱۲۳۳۴۸۰
مرکزی	۱۰۸۲۱۰۹	۱۱۸۲۶۱۱	همدان	۱۵۰۵۸۲۶	۱۶۵۱۳۲۰
گیلان	۲۰۸۱۰۳۷	۲۲۰۴۰۴۷	چهارمحال و بختیاری	۶۳۱۱۷۹	۷۴۷۲۹۷
مازندران	۳۴۱۹۳۴۶	۳۷۹۳۱۴۹	لرستان	۱۳۶۷۰۲۹	۱۵۰۱۷۷۸
آذربایجان شرقی	۴۱۱۴۰۸۴	۴۴۲۰۳۴۳	ایلام	۳۸۲۰۹۱	۴۴۰۶۹۳
آذربایجان غربی	۱۹۷۱۶۷۷	۲۲۸۴۲۰۸	کهگیلویه و بویراحمد	۴۱۱۸۲۸	۴۹۶۷۳۹
باختران	۱۴۶۲۹۶۵	۱۶۲۲۱۵۹	بوشهر	۶۱۲۱۸۳	۶۹۴۲۵۲
خوزستان	۲۶۸۱۹۷۸	۳۱۷۵۸۵۲	زنجان	۱۵۸۸۶۰۰	۱۷۷۶۱۳۳
فارس	۳۱۹۳۷۶۹	۳۵۴۳۸۲۸	سمنان	۴۱۷۰۳۵	۴۵۸۱۲۵
کرمان	۱۶۲۲۹۵۸	۱۸۶۲۵۴۲	یزد	۵۷۴۰۲۸	۶۹۱۱۱۹
خراسان	۵۲۸۰۶۰۵	۶۰۱۳۲۰۰	هرمزگان	۷۶۲۲۰۶	۹۲۴۴۳۳
اصفهان	۳۲۹۴۹۱۶	۳۶۸۲۴۴۴			

منبع: سالنامه آماری کشور سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۱

یکی از مسائل مهم در توزیع و تراکم جمعیت ایران چگونگی توزیع جمعیت بر حسب شهرنشینی و روستائینشی می باشد. بررسی روند شهرنشینی در ایران نشان می دهد که افزایش طبیعی جمعیت (ناشی از تقاضای موالید و مرگ و میر) و مهاجرت از عوامل بسیار مهم رشد شهرنشینی در ایران بوده است. به طوری که میزان شهرنشینی از ۳۱/۲ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۵۴/۴ درصد در سال ۱۳۶۵ و ۵۷ درصد در سال ۱۳۷۰ رسیده است (جدول ۳) و چنانچه این رشد که بر اساس آمار اجمالی سال ۷۵ به نزدیک ۶۰ درصد رسیده است ادامه یابد، کشور ایران از نظر میزان شهرنشینی در صدر کشورها قرار خواهد گرفت.



نقشه شماره ۳: تراکم نسبی جمعیت ایران بر حسب استان - ۱۳۶۵

جدول ۳: تغییرات و درصد جمعیت شهری و روستایی ایران در دهه‌های مختلف (میلیون نفر)

سکونت‌گاه	۱۳۳۵		۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵	
	درصد	جمعیت	درصد	جمعیت	درصد	جمعیت	درصد	جمعیت
شهرنشین	۳۱/۴	۵/۹۵	۳۷/۹	۹/۷۹	۴۷/۱	۱۵/۸۵	۵۴/۵	۲۶/۹۵
روستائین	۶۸/۶	۱۳/۰۰	۶۲/۱	۱۵/۹۹	۵۲/۹	۱۷/۸۵	۳۱/۹	۲۲/۵۶
کل کشور	-	۱۸/۹۵	-	۲۵/۷۸	-	۳۳/۷۰	-	۴۹/۵۱

منبع: سالنامه آماری کشور ۱۳۵۷ و ۱۳۷۱.

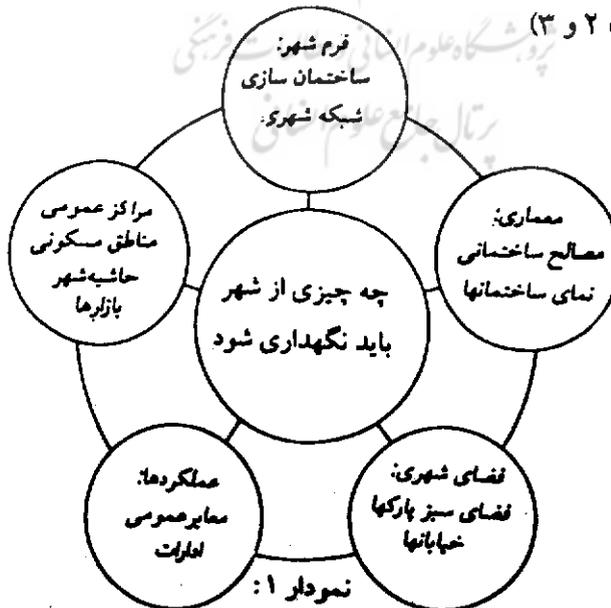
رشد شهرنشینی در ایران مسائل و مشکلات زیادی را به بار آورده است که از اهم آنها می توان به: آلودگی ها، حاشیه نشینی و زاغه نشینی و اصولاً مسایل مسکن، بهم ریختگی مسایل اجتماعی و فرهنگی، نابسامانیهای اقتصادی و از بین رفتن زمینهای کشاورزی و فضای سبز، کمبود شغل و در نتیجه کمبود درآمد و افزایش هزینه ها را نام برد. لذا لازم است از دیدگاه های مختلف جغرافیایی اقدامات عاجل و سریعی به منظور حفظ و نگهداری شهرها به عمل آید تا از این رهگذر روستاها نیز خالی از جمعیت نشده و کشاورزی در معرض خطر قرار نگیرد و تعادلی در جمعیت شهری و روستایی به وجود آید. برای حفظ و نگهداری کارا کتر شهر به سه سؤال باید پاسخ داده شود تا موضوع کاملاً روشن گردد.

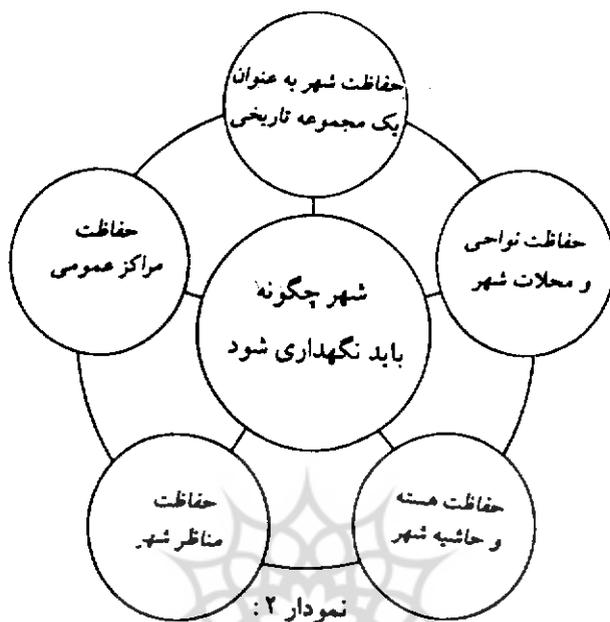
- چه چیزی را می خواهیم نگهداری کنیم؟

- چگونه می خواهیم نگهداری کنیم؟

- با چه می توانیم نگهداری کنیم؟

در پاسخ به سه سؤال فوق به طور اختصار سه نمودار زیر باید مورد مطالعه قرار گیرد که امید است با عنایت به اینکه ادامه بحث از حوصله این مقاله خارج است، راهی برای مطالعات بعدی باز شده باشد. چه هر یک از نمودارها از چندین موضوع بهم پیوسته تشکیل گردیده که می تواند مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. (نمودارهای ۱، ۲ و ۳)





نتیجه گیری

از مطالعه و بررسی های به عمل آمده چنین نتیجه گیری می شود که اولاً: رشد جمعیت ایران باید باز هم کاهش یابد (هر چند توفیق زیادی در این زمینه عاید گردیده است و طبق اظهار مقامات مسؤل از ۳/۹٪ در دهه ۶۵-۵۵ به ۱/۹٪ در دهه ۶۵-۷۵ رسیده است. ثانیاً برنامه ریزیهای عمرانی هر یک از نواحی جمعیتی بر اساس اولویت بندیهای ناحیه ای مورد توجه قرار گیرد و ثالثاً یک برنامه ریزی جامع و جدی به منظور کنترل جابه جایی جمعیت و جلوگیری از مهاجرت های بی رویه و بویژه مهاجرت های روستاییان به شهرها به عمل آید.

پیشنهادها

برای دستیابی به اهداف مورد نظر در این مطالعه پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:

- ۱- مطالعه جامع و همه جانبه هر یک از نواحی هشتگانه جمعیتی ایران. چه شناخت عمیق هر یک از نواحی باعث آگاهی از توانهای محیطی و کمبودهای هر ناحیه می گردد، که برنامه ریزان را یاری خواهد داد.
- ۲- جلوگیری از افزایش بی رویه جمعیت و یا ادامه روند کاهش رشد جمعیت در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- ۳- جلوگیری از رشد بی رویه شهرنشینی که خود یکی از معضلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران است.
- ۴- حفظ و حراست در هم ریختگی شهرها بر اساس الگوهای ارائه شده در نمودارهای ۱، ۲ و ۳.
- ۵- مطالعه و تحقیق به طرق مختلف، از جمله رساله های کارشناسی ارشد و دکترا با توجه به موضوعات ارائه شده در نمودارهای فوق.

منابع و مأخذ

- ۱- جوان، جعفر: جمعیت ایران و بستر جغرافیای آن، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۷۶.
- ۲- سلطانی، محمدعلی: اصول و مبانی جغرافیای جمعیت و جمعیت شناسی، اصفهان، ۱۳۷۵.
- ۳- سلطانی، محمدعلی: جغرافیای جمعیت ایران، جزوه درسی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۵.
- ۴- سلطانی، محمدعلی: مباحث درسهای جمعیت و توسعه در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا، دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۵.
- ۵- نظری، علی اصغر: جغرافیای جمعیت ایران، انتشارات گیاه‌شناسی تهران، ۱۳۶۸.
- ۶- نظری، علی اصغر: جغرافیای جمعیت ایران، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۷۰.
- ۷- نشریات کنگره بین‌المللی Habitat II که از ۳ تا ۱۴ جون ۱۹۹۶ در استانبول ترکیه برگزار گردید.
- ۸- آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰، نتایج عمومی، کل کشور، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۲.

9- Karlheinz Gruber: Ziele der Stadterhaltung, in Beiträge zur Stadtforschung, Bd. 38 - Wien 1992.